



<http://www.arianafghanistan.com>

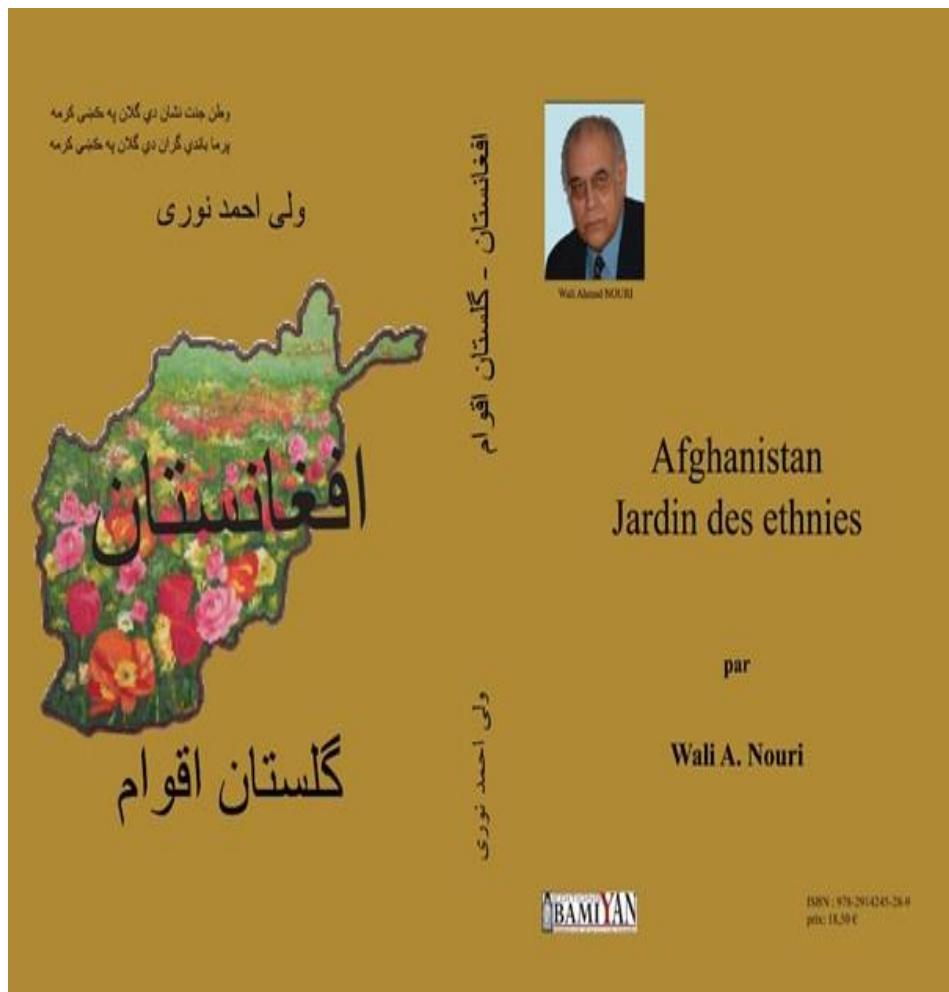


۲۰۱۸/۱۰/۲۵

ولی احمد نوری

افغانستان گلستان اقوام

قسمت چهل و سوم



افغانستان گلستان اقوام

قسمت چهل و سوم

گل‌باغ نیاکان

از

انجینر فضل احمد افغان

کانادا، ۳۰ نوامبر ۲۰۰۵

سرزمین آریانا، خراسان و ابدالی که بالاخره در ربع اخیر قرن نهم میلادی با کشیدن خط سیاه دیورند و تثبیت غیر عادلانه سرحدات شمالی با روسیه تزاری در حدود اربعه امروزی به ما به میراث مانده، من آنرا گل‌باغ نیاکان و یا مادر وطن می نامم. این گل‌باغ که با کوه های شامخ، دره ها و سطوح مرتفع زیبا، دریا‌های خروشان و وادی های سرسبز، هوای گوارا و مهمان نوازی آن با سرازیر شدن سیاحین و استقبال گرم افغانی از آنها شهرت جهانی کسب نموده بود. از استقرار سلطنت احمد شاه ابدالی (۱۷۴۷) میلادی به نام افغانستان و قطعات و باغچه های مختلف که متشکل از گل های متنوع با رنگهای مرغوب، عطر های دلکش، قد و قامت های زیبای بخصوص خود با یکدیگر وصل و گل های آن با هم گره خورده بودند، به نام افغان یاد می شوند.

بلی این سرزمین را رادمردان، تحت سرپرستی باغبانان اصیل از آزادی، استقلال، حاکمیت ملی و ارضی اش الی آخرین رمق حیات حراست و نگهبانی می کردند. اما با تأسف به مرور زمان تعدادی از باغبانان ناخلف که آب از دریای اغیار می نوشیدند، با خوشخدمتی برای بادران خارجی خود اجازه دادند که تخم های زهرآگین را در باغچه های زیبای شان پاشیده، نه تنها گل های مرغوب و معطر افغانی را خشکیده و مضمحل سازند، بلکه برای شان اجازه داده شد که با وارد نمودن طوفان های سیاه و تاریک دیوارها و باغچه های آنرا ویران و گل‌باغی را که نیاکان برای شان به میراث مانده بودند، ناجوانمردانه یکسره به دشمنان تسلیم و توسط خونخواران و دهشت افگنان (تروریستان) که نه مسلمان و نه افغان بودند، با دریدن قلب و به یغما بردن هست و بود مادر وطن به ماتمسرا و جهنم تبدیل و بار دوش جهانیان نیز سازند و تعدادی از گل های زیبا را که توسط باغبانان اصیل با صرف ملیون ها دالر در داخل و خارج برای باغبانی آینده گل‌باغ نیاکان تربیه شده بودند، در طوفان های روزگار پیچانیده با تخمه های شان در نقاط مختلف دنیا پاشیدند که در نتیجه در هر کنج و کنار جهان گل‌باغچه هایی با رنگ های متنوع از باغچه های گل‌باغ نیاکان را به نام گل‌باغچه های افغانی اساس گذاری و مجبور به تغذی از منابع اغیار نمودند .

با آنهم دشمنان سوگند خورده را، قرار نگرفته، تعداد دیگری از گل های هرزه به نام این و آن از گل‌باغچه های نو تشکیل جلا وطن را در مزارع خود تحت تربیه گرفته و در مواقع مختلف برای رسیدن به اهداف شوم شان به نام

باغبان ها استخدام و سرنوشت گل‌باغ نیاکان را به دست شان دادند و به نام های مختلف زهر را در عوض غذا بین گلها پاشیدند تا رنگ اصلی شان را که عبارت از هویت افغانی شان است، به نام های دیگر محو و به تدریج علایق افغانی شان را که با افغانستان عزیز است بکلی قطع و هرچه دشمنان را آرزو باشد عمل نمایند.

به این معنی که داس ها و قیچی ها را بدست باغبانان ناخلف، فریب خورده و از خود کش بیگانه پرست سپردند که خود ریشه های گل های اصیل گل‌باغی را که از نیاکان به میراث برده بودند و حراست آن از وظایف ایمانی، وجدانی، تاریخی و اخلاقی شان بود قطع و هرآنچه آرزوی باداران شان باشد کشت و ثمر آنرا دو دسته برای شان تسلیم نمایند.

هموطنان نهایت عزیز، یعنی گل‌های زیبای گل‌باغ نیاکان بدانید که ما و مادر وطن عزیز ما افغانستان در این مقطع زمان در حالت بس مهم و دشوار تاریخی قرار داریم. دشمنان به نام های مختلف چون زبان، قوم، مذهب و این و آن تخم نفاق را بین اقوام (گل‌باغچه های) باهم برابر و برادر می پاشند و می خواهند نفوذ و سلطه دایمی خود را از طریق دست نشانندگان خود به نام باغبانان در گل‌باغ نیاکان ما و در منطقه تحکیم و ملت مظلوم و ستمدیده افغان را که فرزندان یک مادر وطن یعنی افغانستان عزیز اند، برای ابد غلام و برده داشته باشند.

درین جاست که ما نباید وظایف ایمانی، وجدانی، اخلاقی و تاریخی خود را در مقابل نوامیس ملی، آزادی، استقلال، حاکمیت ملی و ارضی، شگوفائی و سربلندی مادر وطن خود به باد فراموشی بسپاریم. نخیر برعکس خود را جدی تکان داده از خواب غفلت برخاسته و قلم را به دست گرفته به جهانیان به خط درشت و صدای رسا صادقانه و صمیمانه ابلاغ بداریم که ما همه فرزندان نیاکان خود افغانستان و مادر وطن عزیز ما که افغانستان است و از نیاکان به میراث برده ایم، از ته دل به آن ایمان داریم و می گوئیم:

قومی که سر به راه شرف میدهد بیاد

در روز امتحان ملل شرمسار نیست

(خلیلی)

لهذا از طریق مبارزات مسالمت آمیز و عادلانه الی آخرین رمق حیات آخرین فرد افغان از آن دفاع می نمائیم و با حفظ احترام به دین مقدس اسلام، عنعنات، کلتور و فرهنگ افغانی و ارج گزاردن به منشور ملل متحد و حقوق بشر آزادی واقعی را در عوض غلامی، عدالت را در عوض بی عدالتی، قانونیت را در عوض بی قانونی، مساوات را عوض نابرابری، دیموکراسی واقعی را در عوض دیموکراسی قلبی، قوای بین المللی و افغانی را در عوض پایگاه نظامی امریکا، نان، لباس و منزل را در عوض توپ، تفنگ و تریاک، باغبانان واقعی افغانی را در عوض باغبانان روسی، امریکایی، ایرانی، پاکستانی و دیگران میخواستیم.

ما نمی خواهیم دیگر کلمات محیلانه و فریبنده دشمنان را بشنویم. ما از جهان صلح دوست آرزو مندیم که به صدای مظلومانه ملت با شهامت و قهرمان افغان که بنا بر وجبیه اسلامی و افغانی مخالف هر نوع عمل غیر انسانی و بشری است و به صلح، آزادی، استقلال و دیموکراسی واقعی و حقوق بشر معتقد است، لبیک گفته و با دوستی و صمیمیت

آن گلباغ نیاکان ما را که به حیث عضو سالم و وفادار سازمان ملل متحد بود، در داشتن علم و معرفت به طرف مدنیت
امروزی و آینده سوق داده و یک کشور نمونه در منطقه و جهان سازند.

بلی این آرزوی مقدس فرزندان اصیل افغان وقتی برآورده شده میتواند که فرد فرد ملت باشهات افغان که گل های
زیبا از گلباغ نیاکان قهرمان اند با اعتقاد به اینکه:

مرا مرگ بهتر از این زندگی که سالار باشم کنم بندگی

(فردوسی)

دست به دست هم داد، در عوض تفرقه اندازی و پاشیدن نمک بر زخم ها و جراحات گذشته متحداً بر آن مرهم
بگذارند، اشک های یتیمان، بیوه زنان، معلولان و معیوبان را با لطف و نوازش پاک کرده و به روح شهدای راه حق
درود بفرستد. با وحدت و همبستگی واقعی بگویند که :

ما افغان بودیم، افغان هستیم و افغان میمیریم.

بخداوند بی نیاز سوگند یاد میکنیم و به ملل صلح دوست تعهد می سپاریم که مشترکاً در راه تحقق صلح و دفاع از
آزادی، عدالت، مساوات، قانونیت و احترام به حقوق بشر مطابق هدایات عالی منشور ملل متحد عمل می نمایم و به
هیچ قدرتی اجازه نخواهیم داد که به نام این و آن، مادر وطن عزیز ما را در قید یوغ استعماری خود داشته باشد.

برای رسیدن به این مرام عالی وظیفه همه هموطنان عزیز القدر مخصوصاً جوانان امروزی و آینده نسل افغان خواهد
بود که با استفاده از فرصت در داشتن علم و معرفت با تاریکی بیدانسی و جهالت مبارزه نمایند یعنی، ملت درد دیده
و بلا کشیده ما را که در سیاهی بی علمی و بی دانشی دست به گریبان اند، با قلم و کتاب در عوض تفنگ و تریاک
آشنا سازند و ثابت سازند که چون باغبانان واقعی و دانشمند میتوانند به همکاری و پشتیبانی کشورهای صلح دوست
و بشر دوست تحت سرپرستی سازمان ملل متحد، گلباغ نیاکان خود را آزاد و شکوفان سازند.

زیبا وطنم جنت دنیا وطنم

من جز تو دگر نام نیارم بر لب

ای غرقه خون و اشک تنها وطنم

ایوا وطنم دا وطنم دا وطنم

(خلیلی)

بلی به خداوند متعال سوگند یاد می کنیم که یگانه راه نجات مادر وطن و شکست دشمنان سوگند خورده تاریخی، آموختن علم است که خداوند (ج) آن را بر بشر فرض گردانیده و تأکید می کنیم که مادر وطن را از بدبختی های موجود، جز عالمان و دانشمندان با درد، پاک، صادق، با احساس و وطندوست کسی دیگر آزاد، سربلند و شگوفان حفظ نمی تواند .

بناءً این وظیفه تاریخی، اسلامی و افغانی والدین گرامی امروز و فردا خواهد بود که نور چشمان و ارجمندان خود را با لباس علم و دانش آراسته و برای شان درس وحدت، برادری، اخوت، اخلاق حمیده همیشگی و وطندوستی را بیاموزند تا به لطف و مرحمت ایزد متعال بعد از آزادی وطن همه فرزندان و نورچشمان هم وطنم به شمول فرزندان خودم، بخیر و عافیت به حیث باغبانان واقعی مجهز به علم و معرفت به مادر وطن برگشته، گلباغ نیاکان را که به خرابه ای تبدیل شده مجدداً گلباغی سازند که نه تنها مایه شادمانی روح نیاکان و شهدای راه حق باشد تا که افتخار و سربلندی فرد فرد نسل های امروزی و فردای افغانستان و جهانیان نیز باشد. یعنی با زحمات خستگی ناپذیر و متداوم گلباغ نیاکان را از قید یوغ اجانب آزاد و گل ها و گلباغچه های آن را چنان پرورش دهند که برای همیشه شگوفان، زیبا، معطر، سربلند و سرافراز در جهان باشند.

در پایان کلام پیام من برای نسل های جوان امروز و فردای افغانستان خطاب مرحوم «استاد خلیل الله خلیلی» به اولاد میهن است که فرموده اند:

پسرم چشم وطن سوی تو باز است هنوز
مملکت را به تو صد گونه نیاز است هنوز
قوم را جانب تو دست دراز است هنوز
فرصت خدمت تو دور و دراز است هنوز

پایان قسمت بیست و سوم

ادامه دارد



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که قسمتهای قبلی "افغانستان گلستان اقوام" و مطالب دیگر این نویسنده (ولی احمد نوری) را هم مطالعه کنند، با اجرای "کلیک" برعکس نویسنده، در صفحه مقالات میتوانند به فهرست "ارشیف" وی راهنمایی شوند!

Walinouri_afghanistan_golestaan_aqwaam_۴۳.pdf

افغانستان گلستان اقوام (قسمت چهل و سوم)